

## \* شبیه سازی و آثار حقوقی آن

دکتر مسحن فرشاد یکتا  
وکیل پایه یک دادگستری

میدان اندیشه ، تخیل ، و تصور انسان ، دنیای بیمانند و وسیعی است که با خلق آثاری بزرگ در زمینه علم ، هنر و صنعت جلوه‌های ویژه به حیات پرآشوب انسان میبخشد . داستانهای علمی - تخیلی یکی از آن جولانگه‌های بزرگ اندیشه آینده‌نگر بشری است که شاید با داستانهای بیست هزار فرسنگ زیر دریا ، سفر به ماه و مسافرت به اعماق زمین ژول ورن نویسنده پرفریحه فرانسوی آغاز شده باشد . آنگاه با ورود به قرن بیستم ، و وضع تئوریهای نسبیت انیشتین و کوانتوم ماکس پلانک ، داستانهای علمی - تخیلی به اوج خود رسید . یکی از آن داستانها ، شبیه‌سازی انسان به وسیله یک تمدن فراصنعتی پیشرفته بوده است . در ۱۹۸۶ میلادی ، شخصی به نام رائیل که قهرمان اتومبیلرانی فرانسه بود ، جنبشی به راه انداخت و مدعی شد که فوزمینیان و موجودات فضایی او را انتخاب کرده ، با خود به سیاره بسیار پیشرفته‌شان برده‌اند و در آن جا به او نشان دادند که چگونه یک سلول از بدن انسان میتوانند عین او را و همانند او را شبیه‌سازی و تکثیر کنند . این جنبش هماکنون در سرتاسر دنیا طرفدارانی دارد .

پیرو داستانهای علمی تخیلی و جنبش رائیل ، یک دامپزشک اسکاتلندی به نام « یان ویلمت » اعلام کرد که قادر است حیوان یا انسان را بدون عمل جنسی به وجود آورد . در واقع ، بنا به ادعای این دامپزشک ، بودن اسپرم ، تکثیر تقریباً کامل ژنتیک یک انسان میتواند از سلول پوست یا دنده انجام پذیرد .

در ۱۹۹۶ میلادی ، دانشمندان از سلول گوسفند ماده که در رحم گوسفند ماده دیگری کاشته شده بود ، گوسفندی به نام « دالی » را به دنیا آوردند . این آغاز انقلاب بزرگ زیست‌شناختی بشر بود و ناگهان همه زنگها به صدا درآمد که امکان تحقق داستانهای علمی - تخیلی به وسیله بشر بسیار امکان دارد . اکنون که این سطور را رقم میزنم ، یک شرکت آمریکایی و یک شرکت ژاپنی بر این ادعا پافشاری میکنند که سه کودک شبیه‌سازی شده را به دنیا آورده‌اند .

شرکت آمریکایی که عمل شبیه‌سازی را انجام داده ، مدعی است که پدر و مادر کودک اجازه آزمایش دی . ان . ا . او را نمیدهند ، مگر این که مطمئن شوند بچه را از آنها نمیگیرند .

در ۴ ژانویه ۲۰۰۳ میلادی دو زن هلندی از طریق شرکت « مشابه‌سازی » صاحب یک طفل شبیه‌سازی شده ، شدند . اما باز مخالفین میگویند این شرکت هیچ دلیلی مبنی بر تولد و آزمایش دی . ان . ا . طفل ارائه نداده است .

سومین کودک شبیه‌سازی شده نیز در ۱۸ ژانویه ۲۰۰۳ در ژاپن پا به عرصه وجود نهاده است . اکنون سیاره زمین با انقلاب بزرگی از لحاظ زیست‌شناختی ، پزشکی ، فیزیولوژی و حقوقی مواجه شده است . با توجه به اهمیت موضوع ، به ویژه که هر پیشرفت علمی مستقیماً بر قانونگزاری ، و ساختار حقوقی و رفتار اجتماعی اثر میگذارد ، و مباحث حقوقی زیادی را در جهان برمیانگیزد ، ابتدا به بحث درباره شبیه‌سازی از دیدگاه علمی آن ، و سپس از نظر حقوقی و فلسفی خواهیم پرداخت .

شبیه‌سازی چگونه انجام میگیرد ؟

تکنیک شبیه‌سازی ، پیشرفته‌تر از تکنیکی است که به وسیله آن ، بچه از طریق لوله آزمایش به دنیا میآید . در لوله آزمایش ، اسپرم مرد با تخمک یک زن آمیزش داده میشود و دقیقاً همان شرایط رحم مادر فراهم میشود و نتیجه ، پدید آمدن یک جنین است ، اما در شبیه سازی از لوله آزمایش خبری نیست ، بلکه از سلول یا دی . ان . ا . یک شخص استفاده میشود تا شبیه آن متولد شود . در این روش ، دی . ان . ا . زنی که سترون است و نمیتواند باردار شود ، اما میخواهد بچه‌ای داشته باشد که از لحاظ ژنتیک و وراثتی شبیه او باشد برداشته شده با تخمک یک زن دیگر که میتواند بارور شود پیوند میخورد . آنگاه دانشمندان بخشی از مواد ژنتیک یا محتویات هسته سلول را برداشته ، خارج میکنند ، سپس دی . ان . ا . زن اولی را که خواهان بچه است به تخمک زن دوم وارد کرده ، به آن پیوند میزنند . به این ترتیب یک جنین به دست میآید . آنگاه

جنین را در رحم زن اول ، یعنی اعطاکننده دي . ان . ا . میکارند . در این صورت بچه شبیه مادر دهنده دي . ان . ا . خواهد بود .

اگر مادر که دي . ان . ا . خود را در اختیار دانشمندان گذاشته نتواند بارور شود ، زن دیگری را جانشین او میکنند ، یعنی دي . ان . ا . مادر با تخمک پیوند خورده تشکیل يك جنین میدهد که در رحم زن ثالثی کاشته میشود .

بچه متولد شده دقیقاً شبیه مادر نیست ، چون مقدار کمی از ماده ژنتیک تخمک اهدا شده و محیط مختلف در رحم زن ، ارث میبرد .

مثال دیگر درباره دختری به نام امیلی است که در حادثه رانندگی در آمریکا در ۱۷ سالگی به علت مستی در رانندگی کشته شد و مادرش ، کاترین گوردون ، سلولهای منجمد شده او را در جایی نگه داشته تا در آینده شبیهسازی شود .

به این ترتیب اگر سلول امیلی را در تخمک زن دیگری وارد کرده ، و يك سلول تخم به وجود آورند ، این سلول به يك جنین و سپس به يك نوزاد کامل تبدیل میشود .

ناگفته نماند که این در صورتی است که مادر خود طفل نتواند بارور شود ، وگرنه سلول شخص در گذشته - در مثال ما امیلی - میتواند با تخمک مادر خود نیز پیوند بخورد و یا در آن ادغام شود .

به طور خلاصه ، این تکنیک انسان را تکثیر میکند و اگر میتوانستیم هنگام مرگ آلبرت اینشتین دانشمند بزرگ قرن بیستم ، سلولی را از او نگهداری و سلول هم زنده میماند ، اکنون میتوانستیم با پیوند زدن و یا ادغام سلول اینشتین با تخمک يك زن ، يك اینشتین دیگر شبیه او به دنیا بیاوریم . اما به اعتقاد و باور دانشمندان این رشته ، چون محیط رحم زنی که سلول اینشتین در آن رشد میکند ، متفاوت از رحم مادر اینشتین اولی است ، اینشتین شبیهسازی شده ، دقیقاً همان اینشتین نخواهد بود .

سوال این است که فارغ از وجود شناخت ، آیا نوزاد شبیهسازی شده نبوغ اینشتین را هم خواهد داشت ؟ البته علم مشابهسازی تاکنون چنین تضمینی نداده است .

مشکل دیگری که در شبیهسازی ممکن است پیش بیاید این است که اگر کوچکترین اشتباهی در تکنیک شبیهسازی و هنگام دستکاری دي . ان . ا . مثلاً اینشتین یا امیلی پیش بیاید ، ممکن است نوزاد ناقصالخلق و یا حتی با دو سر متولد شود .

دانش زیستشناسی به ما میگوید که ژن ساختاری است که خصوصیات وراثتی ما را حمل میکند . ژن بخش معینی از ملکول دي . ان . ا . را تشکیل میدهد . کروموزمهای انسان حامل ژن هستند . کروموزومها ساختارهای سلولی هستند که اساساً از دي . ان . ا . تشکیل شدهاند .

دي . ان . ا . حامل کلیه اطلاعات ارثی ما و اطلاعات مربوط به وظایف مختلف اندامهای ما است . کروموزمهای حاضر در هر سلول ، يك ماده پیچیده با وزن ملکولی بسیار بالا در ساختمان اصلی خود دارند که دي . ان . ا . نامیده میشود . و همان طور که گفتیم ، تاکید دانش زیستشناسی بر این است که دي . ان . ا . حامی و ستون مادی خصوصیات وراثتی ما است و در ساختمان آن ، تمام اطلاعات که يك موجود زنده را تعریف و توصیف میکند ، برحسب کد مخصوصی ثبت و نوشته شده است ، کما این که امروز در آفریقا گیاهانی را پیدا کردهاند که در تخم آنها شکل کامل گیاه که باید در آینده از آن تخم رشد کند ثبت و ترسیم شده است . یا به عبارت دیگر ، تخم گیاه ، و سلولهای آن قبلاً تمام اطلاعات مربوط به حیات گیاه و رشد آینده او را در خود ثبت کردهاند . ساختار ژنتیک انسان نیز چنین است . پس دي . ان . ا . حاکم بر کلیه فعالیتهای زنده سلول است . به همین دلیل اگر در دستکاری این ملکول ، کوچکترین اشتباه علمی ، یا فنی رخ بدهد ، انسان از حیات خود خارج میشود و ممکن است داستان فرانکشتین به طور حقیقی و عملی اتفا بیفتد و درست مثل علاءالدین که غول چراغ را از آن خارج کرد ، دیگر نتواند آن را به چراغ برگرداند ، آنگاه حیات واقعی انسان و سرنوشت او به مخاطره خواهد افتاد .

در این جا است که باید به دانشمندان هشدار داد که تحقیقات علمی هر قدر هم ارزنده باشند نباید به قیمت تمدن بشری و حیات کره زمین تمام شوند ، مگر این که بسیار دقیق و حساب شده صورت گیرند . بسیاری از دانشمندان اظهار کردهاند که شبیهسازی برای سعادت انسان و بهروزی او بسیار مفید است ، زیرا برای کسانی که دست یا پا و یا يك عضوی را در اثر تصادف و یا به هر علتی از دست میدهند ، با تکنیک شبیهسازی میتوانند همانند دست یا پای آنها را ساخت ، بدون این که نیازی به دست یا پای مصنوعی

باشد و یا کسانی که پوست خود را به نحوی از دست داده و یا دچار سرطان پوست و یا هر عضو شوند ، پوست با شبیهسازی پوست و برداشتن عضو سرطانی ، میتوانند همانند آنها را شبیهسازی کرده جانشین عضو فاسد و سرطانی کنند ؛ اما مشکلات عمدهای که این امر پدید میآورد ، از لحاظ حقوقی بسیار قابل تعمق است . به همین دلیل ما در این بخش به آثار حقوقی شبیهسازی میپردازیم .

آثار حقوقی شبیه سازی در بدو امر لازم است یادآوری کنم که کنگره آمریکا برعلیه شبیهسازی ، قوانینی را تصویب کرده است ، چون نمایندگان مجلس آمریکا بر این باورند که شبیهسازی ، ساختار اخلاقی و مکارم انسان را به خطر میاندازد . چون مشابهسازی انسان او را تا حد کادوهای بستهبندی شده پائین میآورد ، و ساخت انسانهای سفارشی ، روح انسانیت را از آنها سلب میکند ، و آنان بیشتر شبیه کالا هستند تا انسان . سنای آمریکا نیز طرحی را در دستور کار خود قرار داده که برای شبیهسازی مجازاتی تا ده سال حبس در نظر بگیرد .

در مقابل قوه مقننه آمریکا ، پزشکان و زیستشناسان سخت جبهه گرفته ، اعتراض کردند . به زعم آنان ، کنگره و سنای آمریکا حق ندارند جلوی تحقیقات علمی را بگیرند ، و به این وسیله حرکت و رشد علم و فناوری انسان را عقب بیندازند و مانع ترقیات آینده آمریکا شوند .

یکی از استادان دانشکده حق دانشگاه هاروارد به دنبال سر و صدای حقوقی و مسائلی قضائی که برای شبیهسازی مطرح شده ، اظهارنظر کرد که قوانین یک کشور ، از جمله آمریکا نباید به عنوان یک اهرم ، مانع ترقیات علمی ، فنی و تحقیقاتی آن شود . ما حقوقدانان باید با سعه صدر و تساهل به تغییرات و پیشرفتهای جامعه بشری بنگریم و با روشنفکری به استقبال همه تحولات علمی ، فکری و زیربنایی کشور خود برویم .

از نظر این استاد ، علم حقو علم انتخاب بهترین روش قانونگزاری در یک جامعه است و هیچ قانون و حکم و طرحی نباید اساسیترین و اصولیترین مبانی حیات معنوی بشر را که همان آزادی اندیشه در تحقیق و دانش است به خطر بیندازد .

امروز قوانین موضوعه ، تصمیمات دادگاهها ، و رویههای قضائی باید حافظ رشد علمی ، فنی ، صنعتی و هنری یک جامعه باشند . قوانین و مقررات نارسا چه بسا دهها سال یک کشور را از لحاظ پیشرفتهای علمی و اجتماعی به عقب میاندازد . پس باید در این خصوص بسیار درست اندیشید و عمل کرد .

هر قانون ضد علمی ، دانشمندان و محققین را به سرزمینها و جوامع دیگری که دارای قوانین سهلتر و مشوטר هستند روانه و گسیل میدارد . یکی از دهها دلیل فرار مغزها ، نبودن قوانین موضوعه صحیح برای حفظ و جذب دانشمندان و اندیشمندان است .

ما در باب آثار حقوقی تکنیک شبیهسازی ، از یک طرف با مسائل قانون مدنی ، و از سوی دیگر با مسائل قانون جزا مواجه میشویم .

### شبیهسازی از دیدگاه قانون مدنی و جزا

اکنون بر سر مالکیت کودک شبیهسازی شده بین شرکت سازنده و والدین طفل اختلاف افتاده است . بزرگترین سهم ایجاد بچه شبیهسازی شد متعلق به شرکت سازنده است که فناوری دقیق و پیچیده آن را در اختیار دارد .

شرکت سازنده میتواند با دریافت مبلغ هنگفتی از طریق یک قرارداد ، یک کودک شبیه سازی شده را برای یک فرد ، یا دو فرد ، یا یک خانواده بسازد . در این صورت ، مالکیت طفل متعلق به خانواده یا افراد سفارش دهنده است . اما مساله به این جا ختم نمیشود . این کودک از چه کسی ارث میبرد ؟ در صورتی که سلول فرزند درگذشته با تخمک مادر اصلی خود ادغام شده و پیوند بخورد ، بدون هیچ بحثی ، وارث نوزاد شبیهسازی شده ، مادر اصلی او خواهد بود ؛ اما وقتی است که مادر اصلی او یا بارور نمیشود یا دیگر بارداری از سن او گذشته است . در این صورت ، سلول فرزند مرده با تخمک زن ثالثی ادغام شده ، در رحم او کاشته میشود . در این صورت چون نوزاد از محیط رحم زن ثالث نیز خصائصی را به ارث میبرد و کروموزومهای نوزاد

شبیهسازی شده از محیط غیرمادر خود نیز متاثر میشود ، پس زن ثالث نیز میتواند ادعای نگهداری و مورثیت طفل را مطرح کند .

شکلی نیست که در این موارد قانونگذاران باید با مطالعه و درایت مبادرت به وضع قانون کنند تا اختلاف جامعه برطرف شود . از نظر من در این وضع ، نوزاد ، در صورتی که زنده به دنیا بیاید از مادر اولی که سلول فرزند در گذشته در اختیار او بوده ارث میبرد .

ممکن است ایراد شود که فرزند زن اول مثلاً دختر آمریکایی که در تصادف کشته شده است - دیگر وجود ندارد تا حقی برای مادر او ایجاد کند ؛ کودک شبیهسازی شده یک انسان جدید است که فقط شبیه آن دختر است و مالکیت سلول حقی از حیث مالکیت و یا ارث برای نوزاد ایجاد نمیکند . اما به نظر من ، وارث مادری که سلول فرزندش را در اختیار دارد ، همان کودک شبیهسازی شده است ، مگر در مورد کسی که غریبه است و فقط سلول یک فرد را در اختیار دارد .

اکنون مغز اینشتین ، و تارهای موی ناپلئون بناپارت موجود است و فرض کنیم که بتوان از این سلولها برای بازسازی استفاده کرد و دی . ان . ا . آنها نیز زنده باشد . در این صورت مالک اینشتین و یا ناپلئون بازسازی شده کیست ؟ کسی که سلول آنها را در اختیار داشته و یا زنی که سلول در رحم او کشت شده است ؟ از لحاظ حقوقی همه این مسائل نیازمند قانون جدید است . مساله دیگر ، مساله تابعیت کودک شبیهسازی شده است .

در حقوق بین الملل خصوصی

در حقوق بینالملل خصوصی دو اصل برای تابعیت وجود دارد : اصل خاک و اصل خون ؛ یا قانون خاک و قانون خون .

کشورهای مهاجرپذیر مانند آمریکا ، کانادا ، استرالیا و نیوزلند تابع قانون خاک هستند ، و هر کس در خاک این کشورها متولد شود ، تابعیت آنها را خواهد داشت . کشورهایی که قانون خون را رعایت میکنند ، عبارتند از فرانسه ، آلمان ، ایتالیا و کشورهای که مهاجرپذیر نیستند .

ایران هم قانون خاک را رعایت میکند ، هم خون را . در کشورهای تابع قانون خون ، فرزندان تابعیت کشوری را دارند که پدر و مادر آنها تابعیت آن کشور را دارد . برای مثال ، فرانسویان در هر جای دنیا فرزندان خود را به دنیا میآورند ، فرانسوی محسوب میشوند ، اما هر کس که در فرانسه متولد شود ، فرانسوی به حساب نمیآید ، مگر این که از بدو تولد پنج سال تمام در فرانسه اقامت داشته باشد ، و قبل از شانزده سالگی پنج سال مداوم در فرانسه مانده باشد ، آنگاه او میتواند درخواست تابعیت و شناسنامه فرانسوی کند . برعکس در آمریکا ، کودکانی که از پدر و مادر غیرآمریکایی در آمریکا متولد میشوند ، به دلیل قانون خاک خود به خود تابعیت آمریکا را خواهند داشت .

در ایران مطابق ماده ۹۷۶ قانون مدنی اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب میشوند :

۱ . کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد .  
وقتی سخن از ساکنین میروید غرض پیروی از قانون خاک است .

استاد دکتر ناصر کاتوزیان در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی مینویسد :

« در مورد بند ۱ ماده ۹۷۶ به دشواری میتوان پذیرفت که هر بیتابعیتی که در ایران سکونت پیدا کند ایرانی محسوب است . »

نظر استاد صائب است ، چون به صرف سکونت نمیتوان برای کسی تابعیت قائل شد .

۲ . کسانی که پدر آنها ایرانی است ، اعم از این که در ایران و یا در خارج متولد شده باشند . این بند دقیقاً از قانون خون در حق بینالملل خصوصی پیروی میکند و فرزند پدر ایرانی در هر جایی متولد شده باشد ایرانی است . بنابراین ، فرزند ایرانیانی که در آمریکا یا کانادا متولد میشوند ، از لحاظ اصل خاک تابع آمریکا ، و از حیث قانون خون ، تابع ایران هستند . این جا است که مساله تابعیت مضاعف مطرح میشود .

پس قانون ایران در خصوص تابعیت هم از اصل خاک پیروی میکند و هم از اصل خون .

حال فرض کنیم یک شرکت آمریکایی که به کار مشابهسازی میپردازد ، یک سلول از شخص در گذشته آمریکایی را با تخمک زن هندی که در ایران زندگی کرده و ساکن است ، پیوند زند و ادغام کند و نوزاد شبیهسازی شده نیز در ایران به دنیا بیاید . مسلماً ما در این جا با تعارض قوانین ، و تعارض تابعیت مواجه

خواهیم شد ، زیرا تابعیت فردی که مرده و سلول او اکنون بازسازی و شبیهسازی میشود ، آمریکایی است ، پس ممکن است برای نوزاد ادعای تابعیت آمریکایی شود . از سوی دیگر ، مادر هندی ممکن است به دلیل به دنیا آوردن طفل ، تابعیت هند را درخواست کند ، و قانون ایران هم به دلیل اصل خاک ، کودک شبیهسازی شده را طبق بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ، ایرانی بداند ؛ چون بند ۳ ماده فو مقرر میدارد : کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم است ، تبعه ایران محسوب میشوند . آیا تنها وارث سلول کسی بودن به شخص حق میدهد که هنگام شبیهسازی ، خود را وارث نوزاد شبیهسازی قلمداد کند ؟  
یک فرض دیگر :

یک پدر ثروتمند ، تنها فرزندش را در اثر تصادف و یا بیماری از دست میدهد ؛ اما هنگام مرگ یک سلول او را در جای مخصوصی نگهداری و حفظ میکند ، او نیز دچار بیماری میشود و سلول فرزند مرده خود را به پیشکارش میدهد که پس از مرگ او ، سلول فرزند از دسترفتهاش را بازسازی کند ، و یا اصلاً سلول خود آن شخص ثروتمند را برداشته و او را شبیهسازی کند .

آیا از لحاظ حقوقی ، آن فرزند بازسازی شده میتواند هنگام تولد ادعای ارث پدر خود را کند ؟ و یا خود شخص شبیه سازی شده ، ادعای مال و اموال خود را پس از تقسیم ارث بین ورثه خود مطرح کند ؟ چون اموال و ماترک شخص ثروتمند بین فرزندان پس از مرگ او تقسیم شده اکنون دوباره از طریق سلولش شبیهسازی شده ، آیا او میتواند ادعای ماترک تقسیم شده خود را از ورثه سابقش بکند ؟ شبیهسازی ، تداوم بخشیدن به شخصیت و انرژی روحی و روانی آن شخص است . در این صورت ممکن است او بتواند ارث خود را دوباره ادعا کند ؛ اما اگر این شخص دقیقاً همان نباشد ، آنگاه از لحاظ حقوقی ادعای او رد میشود .

ما در شبیهسازی علاوه بر مساله مالکیت نوزاد شبیهسازی شده ، ارث و تابعیت او ، با موضوع مسوولیتهای قانونی شرکت سازنده و مشابهساز مواجهیم .

اگر این شرکت ، کودک ناقصالخلقه و عقابفاده به دنیا آورد چه مسوولیتی دارد ؟ آیا این شرکت حق ازبیردن آن کودک را دارد ، یا منع قانونی کشتن یک انسان در برابر او است ؟

اگر کودک مشابهسازی شده ، به سن رشد رسید و مرتکب جنایت شد ، آیا شرکت سازنده را باید مسوول دانست و یا همه مسوولیتها را مانند یک شخص طبیعی برعهده شخص شبیهسازی شده گذاشت ؟

یادم میآید داستانی علمی - تخیلی میخواندم که در آن ، از سلول شخصی ، عین او را شبیهسازی کرده و شرکت سازنده شبیه او را به مبارزه علیه او فرستاد . شخص اول شبیه خود را ازبیر برد . دستگاه قضائی آمریکا ، او را به جرم قتل بازداشت و محاکمه کرد . متهم در دادگاه در دفاع از خود گفت که او مرتکب قتل کسی نشده ، بلکه خود را کشته است و مقتول چون عین خود او بوده پس او خود را کشته و خودکشی هم مجازات ندارد .

وکیل مدافع نیز بیان داشت که مقتول از سلول و دی . ان . ا . متهم به وجود آمده و رشد کرده است . و تمام کروموزمها و ریبوزومها در مقتول وجود داشته ، و مقتول دنباله شخصیت ، هویت و حیات طبیعی موکلش بوده و بنابراین ، متهم اگر کسی را ازبیر برده ، دنباله شخصیت خود را ازبیر برده و مرتکب قتل یک انسان مستقل نشده است .

این استدلال از موارد کیفیات مخفیه محسوب شد ، اما به برائت متهم منجر نگردید .

اما خود مساله و دفاع متهم و وکیل او قابل تأمل است .

حال ببینیم ، فناوری شبیهسازی که روزبهروز رو به گسترش است ، از حیث اجتماعی و فلسفی چه مشکلاتی را برای انسان و انسانیت پدید میآورد .

شبیهسازی از دیدگاه اجتماعی و فلسفی

در پی تولد سومین کودک شبیهسازی شده ، بسیاری از دانشمندان در سرتاسر دنیا شبیهسازی را فاجعهایی برای انسانیت خواندند . پاپ ، رهبر کاتولیکهای دنیا از دانشمندان این رشته خواست تا شبیهسازی انسان را متوقف سازند .

امروز حقوقدانان ، روانشناسان ، جامعه‌شناسان ، روشنفکران و نویسندگان بشردوست ، همه با هم اتفاق نظر دارند که خانواده محل و مکان امن و درستی برای تربیت کودکان و رشد مناسب شخصیت آنان است . فرزندان طلا همیشه با مشکلات روحی فراوان مواجه بوده‌اند . اگر به درستی آمار گرفته شود ، درصد بالایی مجرمین ، معتادان ، و منحرفین از قواعد و احکام اجتماعی ، فرزندان هستند که از نعمت خانواده به نحوی محروم بوده و یا در اثر جدایی پدر و مادر از کانون گرم خانواده بی بهره مانده‌اند . بنابراین تثلیث پدر - مادر - فرزند یا فرزندان ، عامل مهمی برای تلطیف شخصیت کودکان و مثبت اندیشیدن آنان است .

اکثر فرزندان مثبت ، خلا ، کوشا ، خادم ، سازنده ، دانشمند و عاشق بشریت از میان خانواده‌هایی بیرون آمده‌اند که در آنها عشق ، رافت و محبت بر روابط بین پدر و مادر حاکم بوده و هیچ چیز مانع حفظ حرمت پدر و مادر نبوده است ، اما متأسفانه پس از جنگ دوم جهانی به ویژه در اروپا و برخی نقاط دیگر جهان که چهل میلیون انسان کشته شد ، ارزشهای اخلاقی برای بازماندگان جنگ فرو ریخت و بسیاری از متفکران و نویسندگان به عملکرد انسان بدبین شدند . نخله‌های پوچگرایی و نهیلیسم ، و هیپیگری همه پس از جنگ دوم جهانی پدید آمد و نومیدی و ازهمگسیختگی اجتماعی و از هم پاشیدن خانواده‌ها شروع شد ، و به دلیل وجود انرژی منفی در میان بازماندگان جنگ ، بیماری‌های روانی شیوع پیدا کرد و طلا امری رایج بین زنان و مردان به ویژه در غرب شد .

اگرچه از لحاظ اقتصادی شکوفایی پدید آمد ، اما اخلا و اخلاقیات به سراشیبه سقوط افتاد و در نتیجه ، فرزندان بدون خانواده از رافت ، مثبت‌اندیشی و احترام به ارزشهای انسانی دور شدند . نتیجه آن در غرب « انفجار » خانواده بوده است . بیخانمانی ، و بی‌پدري به اندازه کافی جوانان غرب را رنج می‌دهد . اکنون اگر انسانهای شبیه‌سازی شده و بیدر و بیخانواده نیز بر این خیل اضافه شوند ، بر سر سرنوشت بشر چه خواهد آمد . مضافاً این که شبیه‌سازی ، انسان را شبیه روبات می‌کند . در آینده روبات‌های ساخته شده چیزی از انسانهای شبیه‌سازی شده کم ندارند . بنابراین ماشینی کردن جسم و روح و روان انسان همان خطر را دارد که اکثر جوانان را با مواد مخدر معتاد کردن .

شبیه‌سازی فقط در صورتی خوب و مفید و لازم است که برای خدمت به بشریت - مثلاً برای معالجه امراضی نظیر سرطان ، ایدز و غیره و یا برای جایگزین کردن اعضای ازدست رفته انسان - به کار رود . قانون که زیربنای علم حقو را تشکیل می‌دهد و در این مورد رسالت خطیری بر عهده دارد . حقوقدانان و قانونگذاران باید سعی کنند بهترین قانون را برای شبیه‌سازی وضع کنند تا از يك طرف ، حرمت انسانیت و حریم آسمانی و معنوی او شکسته نشود ، و از سوی دیگر ، تحقیقات علمی دچار عقباتادگی و مشکل نشوند . این وظیفه علم ژرف حقو و فن قانونگزاری است که هر جا مسائل جدید و تکنولوژی رخ مینماید ، به کمک جامعه رفته ، بهترین راه حل را ارائه و انسانها را ارشاد و هدایت کند .

ما نمیتوانیم از شبیه‌سازی بگریزیم . همان طور که از هیچ دستاورد علمی دیگر مانند اینترنت ، ماهواره ، اطلاعات و ارتباطات الکترونیک و فناوری فضائی نتوانستیم فرار کنیم . اساساً فرار چرا ؟ ما باید به استقبال آنها برویم و با تمام قوا کشور خود را به این فناوریها تجهیز بکنیم ، و با وضع و اجرای قوانین مدون و صحیح به بهترین وجه از دستاوردهای جدید فناوری برای توسعه علم و اندیشه در جامعه استفاده کنیم .

ناگفته نماند که اولین کشوری که در برابر شبیه‌سازی انسان عکسالعمل شدید نشان داده ، کشور فرانسه است . چون در یازدهم بهمنماه خبرگزاریهای سراسر عالم خبر دادند که مجلس فرانسه شبیه‌سازی را جنایتی بر علیه بشریت دانسته و آن را ممنوع اعلام کرده و مجازات شبیه‌سازی به دلیل این که فردی را از هویت ژنتیکی خود محروم میکند ، بیست سال حبس و پرداخت ۷۰۰۰۰۰۰ یورو جریمه مقرر شده است .

آمریکا هم محدودیتهایی را قائل شده است ، اما باید سنای آمریکا نیز آن را تصویب کند . اگر آمریکا ، روسیه ، ژاپن ، انگلستان ، فرانسه ، آلمان و چین هم قوانینی بر علیه شبیه‌سازی وضع کنند ، این تکنیک تقریباً مهار شده و از آن جلوگیری میشود . اما جلو تحقیقات دانشمندان را تا کی میتوان با وضع قوانین گرفت ؟ این تحقیقات به کشورهای دیگر نظیر کره ، برزیل و یا هر کشور دیگر که استعداد آن را داشته باشد خواهد رفت . فقط همان طور که نوشتم باید این فناوری به نفع کامل بشریت مورد استفاده واقع شود و قانون و قوای قانونگزاری میتوانند بهترین راه را برای این کار برای جامعه انتخاب کرده ، آن را به شاهراه سعادت رهنمون شوند .

منابع :

- ۱ - سایتهای اینترنت [www . Yahoo . com](http://www.Yahoo.com) , [www . msn . com](http://www.msn.com)
- ۲ - ژان شارون - روم ، این ناشناخته ، ترجمه دکتر محسن فرشاد .
- ۳ - ایوانویچ اپارین - پیدایش و سیر تکاملی حیات ، ترجمه مصطفی مفیدی .
- ۴ - دکتر ناصر کاتوزیان - قانون مدنی در نظم کنونی .
- ۵ - قانون مدنی ایران .